

بر بال سیمرغ

در آستانه یک فیلم کامل



کیوان کثیریان

● «دختر»، میرکریمی را به خودش بازگردانده است؛ یک فیلم سریا و گرم و خوش ساخت. فیلم بر رابطه یک مرد با دختر و خواهرش تمرکز کرده و تلاش می‌کند این دو رابطه را به هم مرتبط کند. فیلم به دلیل تمرکز روی این دو رابطه، شاید دوباره به نظر برسد؛ اما فیلم‌ساز و فیلم‌نامه‌نویس تلاش کرده‌اند این دو بخش را با نخ «خانواده» به هم متصل کنند و در این راه موفق‌اند. این فیلم در ستایش خانواده است. اتفاق مرکزی، تحول مرد است. اساسا فیلم، فیلم مرد است و نه دختر. پیچیدگی این روابط در عین سادگی‌شان به‌شدت درست و به اندازه از آب درآمده است. یکی از محدود کاستی‌های فیلم آن است که حس دانشجویبودن دختر کمتر منتقل می‌شود و بیشتر با دختران دبیرستانی -در رفتار و حتی در اظهارنظرها- مواجهیم؛ درحالی‌که این مقطع سنی و تحصیلی خاص در فیلم اهمیت زیادی دارد. «دختر» فیلم کاملی می‌شد، اگر پایان دیگری داشت. فصل پایانی فیلم، یک میزگرد میان دختران درباره مهاجرت و خانواده است. قدری شعار و اظهارنظر که با یک سوال مهم و یک اکت مهم پایان می‌گیرد؛ اما با کلیت فیلم ناهماهنگ است و فیلم را تضعیف می‌کند. فیلم نقاط بسیار بهتری برای پایان دارد که امیدوارم میرکریمی در این بخش تجدیدنظر کند. بازی اصلائی و ماهور الوند چشمگیر است؛ اما مرلا زارعی چیز دیگری است.

۲. محسن کبابی بعد از دو فیلم موفق ضدگلوله و خط ویژه و فیلم متوسط عصر یخبندان با «بارکد» عقب‌گردش را ادامه داده است. تجربه‌ای که کبابی در نوع روایت و شکست زمان انجام داده نیز نتوانسته فیلم را نجات دهد. فیلم جز یک محسن کبابی بامزه که خوش‌حی‌های نسبتا خوبی برایش نوشته شده، چیز دندانگیری ندارد و با خلق روابط و موقعیت‌های سست، نه حرف تازه‌ای دارد و نه توانسته به مرز اندازه‌هایی که کبابی برای توانایی خود در سینما تعریف کرده، نزدیک شود.

۱.۵ ستاره از ۵

زیر آسمان فیروزی

رضایزدانی در نصف جهان

● **نفیسه حاجاتی**؛ رضا یزدانی در حاشیه کنسرتش در اصفهان در نشست دوستانه با فعالان موسیقی این شهر، آمادگی خود را برای اجرای آثارش به صورت یک ارکستر بزرگ اعلام کرد.کنسرت «آب زند راه را» که به مرور یکصد سال تاریخ انقلاب‌های ایران می‌پرداخت، در سه روز از ۱۷ تا ۱۹ بهمن به رهبری احسان عباسی و اجرای رضا یزدانی در تالار رودکی اصفهان برگزار شد. یزدانی در پایان حضورش در اصفهان، در نشست صمیمانه با فعالان موسیقی این شهر که با حضور دکتر محمد سریر، رئیس شورای عالی خانه هنرمندان ایران در هنرسرای خورشید برگزار شد، با مثبت ارزیابی‌کردن این اجراها گفت: «همین حالا به دهنم رسید که چه خوب می‌شود اگر بتوانیم برای کنسرتی برنامه‌ریزی کنیم که کارهای من در قالب ارکستر بزرگ اجرا شود». رضا یزدانی که تا به حال ۹ آلبوم و ۱۷۰ قطعه موسیقی منتشر کرده، صحبت‌هایش را این‌گونه ادامه داد: «من سال ۸۱، ۸۲ کارم را آغاز کردم و در این شکل از موسیقی خط‌شکن بودم. فکر می‌کنم، می‌توانیم ۱۰ تا ۱۵ قطعه انتخاب کنیم و برایشان ارکستر بنویسیم و به عبارتی یک کار مایکل کی منی انجام دهیم.»البته خواننده راک پرتقر‌دار ایران بعد از نوراله خرابی‌فر، امیرحسین زاولانه، رضا بصیری و امیر مصیبی به روی سن آمد. این‌بار برعکس کنسرت‌های معمول یزدانی، هیچ دکور خاصی در صحنه نبود. در دو طرف سن، گروه کر در سه ردیف ایستاده بودند و رهبر ارکستر هم دقیقا روبه‌روی خواننده محبوب قرار گرفته بود. یزدانی فقط قطعات «طهران، تهران»، «حکم» و البته مطابق اکثر کنسرت‌هایش، آهنگ «خلیج‌فارس» را به عنوان پایان‌بخش کنسرت اجرا کرد.

هنر و تجربه

Art & Experience Online

aecinema.ir



این جا کسی نمی میرد

کارگردان: حسین کندی

برنامه سینمایی پردیس سینمایی فرهنگ. پردیس سینمایی کورش پردیس سینمایی چارسو. خانه هنرمندان پردیس سینمایی آزادی. موزه سینما

یک پوستر، یک جشنواره

نگاهی به پوستر فیلم مالاریا با چشمانی بسته

فیلم است که در نمونه‌های موفق، موزیک متن در تاروپود تصویر، کلام، حرکت، نور و ... جذب می‌شود به گونه‌ای که تماشاگر قادر به فاصله‌گذاری و تفکیک میان آنچه می‌بیند، می‌فهمد و می‌شنود نیست... چیدمان حروف باید جزئی از معنا و حس نهفته در پوستر باشد نه صرفا تجمع مقادیری از حروف به‌شدت شلخته و بی‌قاعده میزانیاز شده است. حالا که یک عکس نسبتا مناسب برای طراحی پوستر فراهم شده، میزانیاز ناشیانه پوستر مالاریا به شکل‌گیری یک پوستر خوب لطمه زده است. فقدان یک چیدمان متعارف و ساده (چیدمان درخشان پیشکش)، نشانی بی‌بروبرگرد از فقدان سواد بصری است و این یک مشخصه کاملا جهان سومی است، می‌خواهیم بگوییم میزانیاز خلاق مثل موزیک متن

۱. پوستر فیلم «مالاریا» را با هم ببینیم: ۱. نمای درشت چهره زنی درآمده و گریان با چشمانی بسته.

۲. چیدمان حروف در نواری در قسمت پایین پوستر واقع شده که هرچند مزاحمتی در نمایش سوز پوستر برای مخاطب ایجاد نمی‌کند اما تنظیم حروف به‌شدت شلخته و بی‌قاعده میزانیاز شده است. حالا که یک عکس نسبتا مناسب برای طراحی پوستر فراهم شده، میزانیاز ناشیانه پوستر مالاریا به شکل‌گیری یک پوستر خوب لطمه زده است. فقدان یک چیدمان متعارف و ساده (چیدمان درخشان پیشکش)، نشانی بی‌بروبرگرد از فقدان سواد بصری است و این یک مشخصه کاملا جهان سومی است، می‌خواهیم بگوییم میزانیاز خلاق مثل موزیک متن

۳. خوب که دقیقی می‌شوی، در نوار تحتانی پوستر نوشته انگلیسی Malaria را می‌بینی که با حرف M انگلیسی خواسته‌اند شکل پشه مالاریا را دریاورند، در لابه‌لای سایر حروف نیز مقادیری شکلک به سر و روی حروف الصاق کرده‌اند. لایه قصد از چنین شکلک‌بازی‌هایی تاکید مؤکد بر سوزهای است که با

یک پرتره گریان همه سطح پوستر را پوشانده است. گویی سازنده یا سازندگان پوستر، گمان می‌کنند باید بیشتر ببینده را تحت تأثیر قرار دهند و با حرف M انگلیسی پشه مالاریا را دوباره به خاطرش بیاورند که مبادا دست خالی پوستر را ترک کند!

۴. چشمان زن بسته است، اما رنج را بیش از این احتمال که اگر چشمانش باز بود منتقل می‌کند. انتخاب عکس بد نیست. افسوس که با دیزاین ناشیانه اطلاعات کلامی، پوستر فیلم مالاریا را ردیف طولانی پوسترهای متوسط‌الحال جشنواره قرار گرفته است.

۵. خیلی‌ها می‌پرسند چرا پوستر فیلم در ایران از فروغ زیادی برخوردار نیست؟ ضرورت «طراحی ساده» و قوی که پیام را بلافاصله و با صراحت به



عکس: مهر

اعلام اسامی نامزدهای مسابقه سینمای ایران فجر

خافلگیری در گذرگاه سیمرغ

اسامی نامزدهای سایر بخش‌ها به این شرح است:

بهترین کارگردانی

کمال تبریزی برای کارگردانی فیلم «امکان مینا» سعید روستایی برای کارگردانی فیلم «ابد و یک روز»

فرزاد مؤتمن برای کارگردانی فیلم «آخرین‌بار کی سحر را دیدی؟»

محمدحسین مهدویان برای کارگردانی فیلم «ایستاده در غبار»

سیدرضا میرکریمی برای کارگردانی فیلم «دختر»

بهترین بازیگر نقش اول زن

پریاز ایدیزار برای فیلم «ابد و یک روز» ساره بیات برای فیلم «آلادت نمی‌کنیم» مینا ساداتی برای فیلم «امکان مینا» طناز طباطبایی برای فیلم «خشم و هیاهو» الهام کردا برای فیلم «به‌دنیاآمدن»

بهترین بازیگر نقش اول مرد

فرهاد اصلانی برای فیلم «دختر» پرویز پرستویی برای فیلم «بادیگارد» رضا کیانیان برای فیلم «گفتش‌هایم کو» پیمان معادی برای فیلم «ابد و یک روز» نوید محمدزاده برای فیلم «خشم و هیاهو»

جشنواره کمایش سیاسی

واقعیت امر این است که جوایز جشنواره فیلم فجر از همان دوره اول تا اکنون کمایش سیاسی هم هست یعنی باید داوران علاوه بر ارزش‌های خود فیلم، ملاحظاتی از قبیل اینکه کارگردان فیلم چقدر خودی است، تهیه‌کننده فیلم مثلا با کجا ارتباط دارد یا ندارد و مسائلی از این دست، دآوری کنند. بنابراین معمولا طی این سال‌ها دیده‌ایم بعضی از فیلم‌هایی که فاقد ارزش‌های سینمایی بوده‌اند، به دلیل طرح موضوع موردعلاقه مسئولان یا کاندیدا شده‌اند یا جایزه دریافت کرده‌اند. هرچند امسال برای من هم عجیب بود که چرا فیلم «بادیگارد» که البته من آن را ندیده‌ام و داوری‌اش هم نمی‌کنم، در میان کاندیداها حضور ندارد و باز این سؤال برایم مطرح است که چرا به فیلمی مثل «مالاریا» که من آن را دیده‌ام و بسیار فیلم خوبی است کم‌توجهی شده است؟ همیشه بعد از اعلام اسامی نامزدها، مجموعه‌ای از پیش‌داوری‌ها، رایزنی‌ها و پیچپه‌ها در میان اهالی سینما رایج می‌شود ولی می‌خواهم بگویم اصلا مهم نیست که چه فیلمی جایزه می‌گیرد یا نمی‌گیرد، مهم خود فیلم است که هنگام انکار عمومی، چه در گروه عام و چه در گروه هنر و تجربه، باید تکلیفش را با مخاطب روشن کند.



احمد طالبی‌نژاد

حوالی برج میلاد

یادداشت‌های روزانه تماشاگردیف و وسط

ناگهان حجاریان وارد می‌شود



مهرداد حجتی

● «شنیده بودیم‌تنورسین اصلاحات»سعیدحجاریان» بازیگر شده. اما باورمان نشد. حجاریان و بازیگری سینما؟ این هم از آن خافلگیری‌هاست، باید دید به چه علت؟» این را تماشاگر ردیف راست گفت. هیچ طعنه و کنایه‌ای در کار نبود. با لاقال من این‌طوری حس کردم. تماشاگر ردیف چپ می‌گوید: «مانی حقیقی، کارگردان فیلم، به ایشان رو انداخته، ایشان هم پذیرفته. حضور فردی معتبر در لحظاتی از فیلم لازم بوده. بدون چنین فردی فیلم چیزی کم داشته لایه. به‌همین دلیل مانی حقیقی اصرار کرده، سعید حجاریان هم پذیرفته. این نباید خیلی عجیب باشد». تماشاگر ردیف راست می‌گوید: «من نمی‌گویم عجیب است. بلکه می‌خواهم بگویم چرا حجاریان؟ چرا فردی از این طرف انتخاب نشده؟ مثلا حسین شریعتمداری؟» تماشاگر ردیف چپ بلافاصله می‌گوید: «جانا سخن از زبان ما می‌گویی، فیلم‌ساز موردنظر ما که در اینجا مانی حقیقی است، می‌خواسته حرفی از زبان کسی بزند که تماشاگر باور کند». «تماشاگر ردیف راست می‌گوید: «یعنی شما می‌گویید مردم حرفی را که از دهان حاج‌حسین شریعتمداری بیرون می‌آید باور نمی‌کنند؟» مناظره به اینجا که رسید، نگاهی به اطراف انداختم؛ دورتادورمان آدم جمع شده بود. آنها که جا داشتند نشسته بودند و آنها که جایی برای نشستن پیدا نکرده بودند، ایستاده مناظره را نظاره می‌کردند. این دو تماشاگر را حالا همه می‌شناختند. به‌همین‌خاطر به مناظره آنها علاقه نشان می‌دادند. اینکه چه تعداد طرفدار این هستند و چه تعداد هوادار آن، چندان مهم نیست، لاقال درحال‌حاضر مهم نیست. آنچه مهم است توجه به حرف‌های آنهاست که باید شنیده شوند که ما هم داریم می‌شنویم. تماشاگر ردیف چپ مکتب می‌کند. حرفی را که می‌خواهد بزند سبک‌سنگین می‌کند تا مبادا برایش هزینه‌ای در پی داشته باشد. بالاخره بر تردید و ترسش فائق می‌آید و می‌گوید: «من بنا نیست به‌جای مانی حقیقی حرف بزنم. من می‌گویم به نظر او سعید حجاریان معتبر تشخیص داده شده است. شاید به نظر او دیگران در این حد و اندازه معتبر تشخیص داده نشده‌اند. این را باید از خود او پرسید. در اینجا نظر من اهمیتی ندارد. نظر فیلم‌ساز مهم است. تشخیص او این بوده». حالا نوبت تماشاگر ردیف راست است که مکتب کند. به نظر می‌رسد او هم دارد حرف‌هایش را مرمرزه می‌کند. نگاه شاهدان مناظره برایش مهم است. از همین‌رو مدام زیرچشمی مراقب عکس‌العمل آنهاست. از واکنش آنها چیزی فهمیده است لابد. به‌همین‌خاطر دارد به حرف بعدی فکر می‌کند، لحظه‌ای بعد با اعتمادبه‌نفس می‌گوید: «چرا همه از حاج‌حسین حساب می‌برند؟ آیا این نشانه اعتبار ایشان نیست؟» تماشاگر ردیف چپ با بلند می‌گوید: «ببیند بحث را به گوشه رینگ برید دوست من. قرار نیست با طرح چنین سؤال‌هایی از طرف مقابل می‌ج‌گیری کنید. من سؤال شما را یک «تله» می‌دانم. ترجیح می‌دهم با هوشیاری درون آن نفیتم». تماشاگر ردیف راست می‌گوید: «شما از پاسخ ظفره می‌روید وگرنه تله‌ای در کار نیست. از بس این حرف‌ها را در محافل‌تان گفته‌اید، باور‌تان شده است». تماشاگر ردیف چپ می‌گوید: «ما در محافل‌مان چه می‌گوییم؟ انکار شما بیشتر از درون محافل ما خبر دارید؟» تماشاگر ردیف راست یکه می‌خورد. انتظار این حاضر جوابی را نداشته است. اما خود را نمی‌بازد. می‌گوید: «از حرف‌های اینتاج‌اتجای سرگردگان جناح‌تان می‌شود فهمید. اما برگردیم سر سؤال بی‌پاسخ من. اگر حاج‌حسین شریعتمداری سخشن اعتبار ندارد پس چرا این‌قدر آن را جدی می‌گیرند؟ حتی خود شما؟» تماشاگر ردیف چپ می‌گوید: «جدی می‌گیرند، چون حساب می‌برند. مشکل دقیقا همین‌جاست دوست من.

تا جشنواره موسیقی فجر

فروش جشنواره ۲ میلیاردی شد

● **شرق**: درحالی‌که در روز تا آغاز جشنواره سی‌ویکم موسیقی فجر مانده، مجموع رقم فروش بلیت اجراهای جشنواره برای اولین‌بار در تاریخ این رویداد از مرز دو میلیارد تومان گذشته است. به گزارش روابطعمومی جشنواره موسیقی فجر، مجموع رقم بلیت‌فروشی جشنواره موسیقی فجر تا لحظه ارسال این خبر به رقم دو میلیارد و ۲۷ میلیون تومان رسیده است. بلیت‌فروشی سی‌ویکمین جشنواره موسیقی فجر از روز پنجم بهمن‌ماه و برای اولین‌بار در طول برگزاری جشنواره موسیقی از طریق سه سامانه بلیت‌فروشی آغاز شده است، سه سامانه بلیت‌فروشی «۸۴۲۰۰»، «تیوال» و «می‌رسی» بلیت‌های این دوره از جشنواره موسیقی، فجر را به فروش می‌رسانند. از لحظه درج این گزارش بلیت ۱۲ کنسرت جشنواره به‌طورکلی فروش رفته است. همچنین در سی‌ویکمین دوره جشنواره موسیقی فجر به آثار برتر حوزه موسیقی ۲۶۰ سکه بهار آزادی تعلق خواهد گرفت. در راستای تغییرات گسترده سی‌ویکمین جشنواره موسیقی فجر، بخش «جایزه» برای اولین‌بار به ساختار این جشنواره اضافه شده است و با نام «جایزه باربه» آثار برتر حوزه موسیقی را انتخاب می‌کند. در مجموع ۲۶۰ سکه بهار آزادی در بخش‌های مختلف جشنواره اهدا خواهد شد.

بهرام دهقانی برای فیلم «ابد و یک روز» سپیده عبدالوهاب برای فیلم «به‌دنیاآمدن» هایده صفی‌یاری برای فیلم «لاتوری»

محمدرضا مؤنثینی و هدی مؤنثینی برای فیلم «امکان مینا»

بهترین موسیقی متن

کریستف رضاعی برای فیلم «ازدها وارد می‌شود» مسعود سخاوت‌دوست برای فیلم «نفس» محمدرضا علیقلی برای فیلم «امکان مینا» و «دختر»

کارن همایونفر برای فیلم «بادیگارد»

پیمان یزدانیان برای فیلم «به دنیا آمدن»

بهترین صدا

بهمن اردلان و سیدعلیرضا علویان برای فیلم «بادیگارد»

سعید بجنوردی و محمدرضا دلیاک برای فیلم «لاتوری»

حسین بشاش و آرش قاسمی برای فیلم «خشم و هیاهو»

امین میرشکاری و سیدعلیرضا علویان برای فیلم «ابد و یک روز»

مهرشاد ملکوتی برای فیلم «ایستاده در غبار»

بهترین طراح صحنه و لباس

محمدرضا شجاعی برای فیلم «ایستاده در غبار» امیرحسین قدسی و نگار نعمتی برای فیلم «ازدها وارد می‌شود»

بهراد کزازی برای فیلم «امکان مینا»

محسن نصراللهی و رعنا امینی برای فیلم «خشم و هیاهو»

بهترین چهره‌پرداز

ایمان امیدواری برای فیلم‌های «زاپاس» و «بادیگارد»

عبدالله اسکندری و مهرداد میرکیانی برای فیلم «لاتوری»

شهرام خلج برای فیلم «ایستاده در غبار»

مهرداد میرکیانی برای فیلم‌های «نفس» و «ازدها وارد می‌شود»

سعید ملکان برای فیلم‌های «ابد و یک روز» و «امکان مینا»

بهترین جلوه‌های ویژه میدانی

و جلوه‌های ویژه بصری

سیدهای اسلامی برای فیلم «بادیگارد»

ایمان کریمیان برای فیلم «ایستاده در غبار»

فرید ناظرفضیحی برای فیلم «نفس» (جلوه‌های بصری)

محمدرضا نجفی‌امامی برای فیلم «رسوایی ۲» (جلوه‌های بصری)

فرهاد توحیدی و مرتضی اصفهانی برای فیلم‌نامه «امکان مینا»

سعید روستایی برای فیلم‌نامه «ابد و یک روز»

امیر عربی برای فیلم‌نامه «آخرین بار کی سحر را دیدی؟»

مهران کاشانی برای فیلم‌نامه «دختر»

محمدحسین مهدویان برای فیلم‌نامه «ایستاده در غبار»

جدول ارزش‌گذاری فیلم‌های جشنواره فیلم فجر - روز نهم

نام منتقد	آرادی	معیرو	پل خواب	آلادت نمی‌کنیم	برادر م خسرو	ازدها وارد می‌شود	توضیح: ارزیابی جواد طوسی درباره فیلم ازدها وارد می‌شود منوط به فیلم‌برداری، موسیقی و طراحی صحنه این فیلم است.
شرق:در این صفحه فیلم‌های جشنواره را هرروز ارزش‌گذاری می‌کنیم. جدول ارزش‌گذاری روزانه، به معنای انتخاب «بهترین» یا «بدترین» فیلم نیست. آرا به صورت روزانه و پس از گذشت زمانی کوتاه از نمایش فیلم از ارزش‌گذاران گرفته می‌شود.	—	*	—	—	—	*	جواد طوسی درباره فیلم ازدها وارد می‌شود منوط به فیلم‌برداری، موسیقی و طراحی صحنه این فیلم است.
عالی، خیلی خوب، خوب، متوسط، بی ارزش، دیده‌نشده	—	—	—	—	—	—	—
— دیدنشده / بی ارزش / = بد / متوسط	—	—	—	—	—	—	—
* ** * ** * / خیلی خوب / عالی	—	—	—	—	—	—	—
نام منتقد	آرادی	معیرو	پل خواب	آلادت نمی‌کنیم	برادر م خسرو	ازدها وارد می‌شود	توضیح: ارزیابی جواد طوسی درباره فیلم ازدها وارد می‌شود منوط به فیلم‌برداری، موسیقی و طراحی صحنه این فیلم است.
جواد طوسی	—	*	—	—	—	*	جواد طوسی درباره فیلم ازدها وارد می‌شود منوط به فیلم‌برداری، موسیقی و طراحی صحنه این فیلم است.
کیوان کثیریان	—	—	—	—	—	—	—
سحر عمر آزاد	—	—	—	—	—	—	—
حسین عیجی‌زاده	—	—	—	—	—	—	—
رامتین شهبازی	—	—	—	—	—	—	—
فرانک آرتا	—	—	—	—	—	—	—